

طراحی و تبیین مدل بودجه‌بندی بر اساس شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران

سید محمد مقیمی^۱، علی اصغر پورعزت^۲، حسن دانایی‌فرد^۳، حیدر احمدی^۴

چکیده: هدف اصلی این پژوهش، شناسایی مشخصات و مؤلفه‌های نظام بودجه‌بندی است؛ به‌گونه‌ای که تبلوری از حکمرانی خوب باشد و باعث بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب گردد. رویکرد مدنظر این پژوهش، رویکرد ترکیبی و از نوع اکتشافی متوالی است. در بخش کیفی این پژوهش از تحلیل تم مصاحبه و در بخش کمی، به‌منظور تأیید مدل از پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، خبرگان دانشگاهی و اجرایی حوزه بودجه‌بندی است که نمونه‌های آن به‌صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. نتیجه این پژوهش ۵۱ تم در قالب شش مقوله است که عبارت‌اند از: آمایش سرزمین، مدیریت ذی‌نفعان، پیاده‌سازی بودجه‌بندی عملیاتی، اصلاح نظام حسابداری و گزارشگری، اصلاح فراگرد نظارت بر بودجه و شفافیت. مجموع این شش مقوله، ۱۶ رابطه را با حکمرانی خوب برقرار نموده‌اند. نتایج آزمون خی‌دو برای همه روابط معنادار بود و نشان داد روابط از نظر متخصصان، مورد تأیید است.

واژه‌های کلیدی: بودجه خوب، تحلیل تم، حکمرانی خوب، نظام بودجه‌بندی.

۱. استاد گروه مطالعات اسلامی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. استاد گروه مطالعات اسلامی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. استاد گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۴. استادیار گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۴/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۰۹/۲۸

نویسنده مسئول مقاله: حیدر احمدی

E-mail: ahmadi@pgu.ac.ir

مقدمه

با مرور بسیاری از مشکلاتی که اکنون نظام بودجه‌بندی کشور با آن مواجه است؛ نظیر بی‌عدالتی و توزیع نابرابر منابع و امکانات، عدم پاسخگویی دولت، بی‌ثباتی سیاسی بالقوه، ناکارآمدی و ناکارایی اقدامات دولت و نارضایتی مردم از کالا و خدمات ارائه‌شده، بی‌قانونی و حاکمیت رابطه بر ضابطه، فساد سازمان‌یافته، پارتی‌بازی، رشوه‌خواری و اختلاس‌های هزاران میلیاردی، بخش خصوصی ضعیف و فاقد قدرت رقابت با نهادهای دولتی، شبه‌دولتی یا شبه‌خصوصی؛ شاخص‌های حکمرانی خوب در ذهن متجلی می‌شوند. گویا شاخص‌های حکمرانی خوب، به‌نوعی بازتاب‌دهنده راه‌های حل این مشکلات و کاستی‌ها هستند، شاخص‌هایی نظیر رسیدگی به صدای مردم و پاسخگویی؛ ثبات سیاسی و نبود خشونت؛ اثربخشی دولت؛ کیفیت تنظیم مقررات؛ تقویت بخش خصوصی؛ حاکمیت قانون و کنترل فساد. با مشاهده گزارش نهادهای معتبر بین‌المللی، مانند بانک جهانی مشخص می‌شود که کشور ما از حیث این شاخص‌ها وضعیت مناسبی ندارد. بررسی گزارش بانک جهانی (جدول ۱) نیز نشان می‌دهد که ایران در اکثر این شاخص‌ها، در دهک‌های پایینی رده‌بندی قرار دارد. همه امتیازهای اختصاص‌یافته به نماگرهای حکمرانی خوب، بین ۲/۵- تا ۲/۵ قرار دارند. امتیازهای بالاتر و مثبت، به معنای موفقیت بیشتر آن کشور، در زمینه نماگر مدنظر است (جدول ۱).

جدول ۱. وضعیت کشور در شاخص‌های حکمرانی خوب در سال ۲۰۱۵

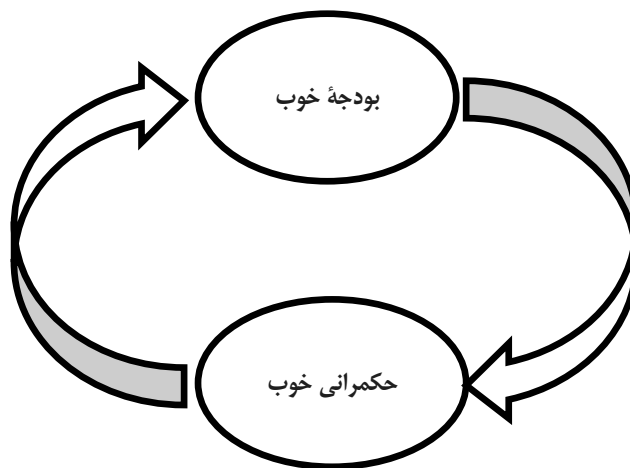
شاخص	رتبه	تخمین حکمرانی (از ۲/۵ تا ۲/۵)
رسیدگی به صدای مردم و پاسخگویی	۵/۴۲	-۱/۵۴
ثبات سیاسی و نبود خشونت	۱۷/۱۴	-۰/۹۱
اثربخشی دولت	۴۷/۱۲	-۰/۲۰
کیفیت تنظیم مقررات	۶/۷۳	-۱/۲۸
حاکمیت قانون	۱۶/۳۵	-۰/۹۵
کنترل فساد	۳۱/۷۳	-۰/۶۱

منبع: بانک جهانی (۲۰۱۶)

واقعیت این است که یکی از حوزه‌های بسیار مهم و حیاتی کشور که دچار چالش‌ها و بحران‌های فزاینده‌ای است و باید برای حل معضلات آن تلاش‌های جدی صورت گیرد، نظام بودجه‌بندی عمومی است. با بررسی مسائل و چالش‌های نظام بودجه‌بندی کشور، معضلاتی بروز می‌کنند که عبارت‌اند از: فقدان شفافیت عملیات دولت؛ عدم مرزبندی مشخص بین قوای سه‌گانه در مراد به با یکدیگر در فراگرد بودجه‌بندی؛ بی‌توجهی به کار کارشناسی و فقدان رویکرد علمی

در فراگرد بودجه‌بندی؛ بی‌توجهی به تأثیرات بلندمدت اقدامات دولت؛ فقدان منابع انسانی متخصص؛ سیاسی‌کاری و لابی‌گری در تخصیص منابع؛ قوانین و مقررات ضعیف و ناکارآمد در نظام بودجه‌بندی؛ قدیمی بودن روش‌های بودجه‌بندی؛ عدم ارتباط بودجه‌های سالانه با چشم‌انداز و اهداف بالادستی؛ جابه‌جایی اعتبارات عمرانی؛ بی‌توجهی به گزارش‌های نهادهای نظارتی؛ وابستگی بودجه کشور به منابع نفتی و شکل‌گیری دولت رانتیر؛ نظارت نامناسب یا فقدان نظارت بر کار دستگاه‌های دولتی و در نهایت حجم بسیار زیاد دولت و بودجه جاری (که ۹۰ درصد بودجه کشور را تشکیل می‌دهد)؛ با تأمل بر این ویژگی‌های نظام بودجه‌بندی کشور، ملاحظه می‌شود که این حوزه به بررسی و کار علمی بیشتر برای حل معضلات نیاز دارد.

با مطالعه ادبیات نظری مربوطه، ملاحظه می‌شود که برخی پژوهشگران به ارتباط بین بودجه و حکمرانی خوب اشاره نموده‌اند (پورعزت و طاهری عطار، ۱۳۸۹؛ شیاوو و دانیل توماسی، ۲۰۱۰؛ اوسیسیمو، ۲۰۱۳؛ هیوک، ۲۰۱۳؛ فابز، ۱۹۹۹؛ سازمان ملل، ۲۰۰۷؛ لیتوینچنکو، ۲۰۱۴) و برآنند که راه حل اصلی و اساسی بحران توسعه را فقط می‌توان در بودجه خوب جست‌وجو کرد که بدون حکمرانی خوب امکان‌پذیر نخواهد بود. چرا که مقدمه شکل‌گیری حکمرانی خوب، داشتن بودجه خوب است؛ ضمن این که داشتن بودجه خوب می‌تواند کیفیت حکمرانی خوب را افزایش دهد (شکل ۱). بنابراین اگر دولتی ادعا کند که دارای حکمرانی خوب است، می‌توان با ملاحظه نظام بودجه‌بندی آن، درباره صحت و سقم این ادعا، اظهار نظر کرد (اگباید و آگبود، ۲۰۱۲؛ شاه، ۲۰۰۷؛ آذر و امیرخانی، ۱۳۹۰؛ کاردوس، ۲۰۱۴).



شکل ۱. ارتباط بودجه خوب با حکمرانی خوب

منبع: اگباید و آگبود (۲۰۱۲) و ویان (۲۰۱۰)

حکمرانی خوب ناظر بر توسعه قوانین، فراگردها و رفتارهایی است که به وسیله آنها، منابع عمومی به خوبی اداره و مدیریت شده و تصمیم‌گیری و مدیریت مناسب و کنترل کافی بر منابع عمومی اعمال می‌گردد (دلیکور و ساکیز، ۲۰۱۲: ۵۵۴). در واقع حکمرانی خوب، تمرین مدیریت (سیاسی، اقتصادی، اجرایی و ...) منابع یک کشور، برای رسیدن به اهداف تعیین شده است. ضمن اینکه بانک جهانی معتقد است حکمرانی، وضعیتی است که در آن قدرت برای مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی، در راستای رسیدن به توسعه، به کار گرفته می‌شود (کاردوس، ۲۰۱۲: ۱۱۶۷). بر این اساس، حکمرانی ناظر بر سنت و نهادهایی است که توسط آنها، قدرت به منظور تضمین مصلحت عمومی کشور، اعمال می‌شود و مشتمل بر سه مؤلفه زیر است:

یک (فراگرد که از طریق آن، صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و تعویض می‌شوند؛
دو) ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و تنظیم و تدوین و اجرای خطمشی‌ها و مقررات درست؛

سه) احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که مراودات اجتماعی و اقتصادی آنها را اداره می‌کنند (کافمن، کرای و زویدو لباتان، ۲۰۰۰: ۱۰۰۰).

به اعتقاد ویلداوسکی (۱۹۷۸)، بودجه عمومی نیز فراگردی است که در آن افراد تصمیم می‌گیرند که دولت‌ها چه چیزی انجام خواهند داد یا چه چیزی را انجام نخواهند داد؛ چگونه منابع به دست آمده، تخصیص می‌یابند؛ و چگونه مورد استفاده قرار می‌گیرند تا به اهداف خود برسند. بنابراین به صراحت می‌توان گفت که بودجه در مرکز ساختار حکمرانی یک کشور قرار دارد. لذا بودجه، صرفاً سند حقوقی نیست و باید همه اجزای حکمرانی خوب را منعکس کند (آذر و امیرخانی، ۱۳۹۰). به همین دلیل، یکی از مباحث بسیار مهم و در عین حال جدید که از سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۰ به بعد، در ادبیات توسعه مطرح شده، شاخص‌های حکمرانی خوب است که امروزه یکی از معیارهای اساسی برای ارزیابی کشورها در عرصه جهانی، به شمار می‌آیند (الوانی، ۱۳۸۸). به همین منظور، پژوهشگران تلاش می‌کنند تا حکمرانی را تعریف نموده و از طریق اصلاح سامانه‌ها و سیستم‌های اداری خود، از جمله نظام بودجه‌بندی، زمینه تحقق آن را فراهم کنند (کوتس، ۲۰۰۴).

حال این سؤال مطرح می‌شود که با توجه به کارکردهای نظام بودجه‌بندی از یک طرف و مسائل و چالش‌های آن در کشور از طرفی دیگر، آیا می‌توان نظام بودجه‌بندی را به گونه‌ای طراحی نمود که دارای مختصاتی باشد که ضمن بهبود فراگرد بودجه‌بندی، موجب بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب گردد؟

در این امتداد، هدف اصلی این پژوهش، شناسایی مشخصات و مؤلفه‌های نظام بودجه‌بندی است؛ به گونه‌ای که تبلوری از حکمرانی خوب باشد. بدین معنا که اگر بخواهیم نظام بودجه‌بندی ما باعث بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه بانک جهانی شود، این نظام باید دارای چه مختصات و مشخصاتی باشد. سپس مختصات استخراجی را مد نظر قرار داده و روابط بین هر یک از عناصر و تأثیر آنها بر هر یک از شاخص‌های حکمرانی خوب را تشریح نماییم. بنابراین، هدف کلی و اصلی این پژوهش، عبارتست از: تبیین عناصر مدل بودجه‌بندی خوب و روابط میان این عناصر با شاخص‌های حکمرانی خوب.

پیشینه پژوهش

با بررسی مطالعات و پژوهش‌های انجام گرفته در باب موضوع پژوهش، مشخص شد که مطالعات اندکی به بررسی ارتباط این دو موضوع پرداخته‌اند. اگباید و آگبود (۲۰۱۲) در پژوهشی تطبیقی با عنوان بودجه خوب و حکمرانی خوب که به منظور تعیین ارتباط بین حکمرانی خوب و بودجه انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیدند که بین حکمرانی خوب و بودجه‌بندی عمومی، ارتباط وجود دارد. ویان (۲۰۱۰) نیز بررسی همین ارتباط را البته در قالب بودجه‌بندی عملیاتی در بیمارستان‌های لسوتو^۱ و از طریق انجام ۵۲ مصاحبه عمیق با مدیران و کارکنان بیمارستان، مشاهدات میدانی و تحلیل برنامه‌ها و بودجه‌های آن انجام داد و نتیجه گرفت که با وجود به کارگیری نظام بودجه‌بندی عملیاتی، اصلاحات چشمگیری در زمینه حکمرانی خوب صورت نگرفته است. ویان و بیکنل (۲۰۱۳) مجدداً با همین روش اما این بار، به بررسی رابطه بین حکمرانی خوب و اصلاحات بودجه پرداخته و دریافتند که علی‌رغم تلاش زیاد برای به کارگیری اصلاحات بودجه، کارکنان درک درستی از این اصلاحات نداشته و پیشرفت شایان توجهی در به کارگیری این اصلاحات نداشته‌اند.

در پژوهشی دیگر نیز با عنوان مدیریت برنامه‌ریزی برای بودجه‌بندی عمومی و خطامشی‌گذاری مالی که از طریق مطالعات کتابخانه‌ای در اوکراین صورت گرفته است، پژوهشگران دریافتند که بین حکمرانی بهتر، نهادهای دموکراتیک قوی‌تر و بودجه شفاف‌تر و نقش آنها در رشد اقتصادی، ارتباط وجود دارد و پدیده نفرین منابع^۲ در شرایطی که نهادهای دموکراتیک و حکمرانی خوب ضعیف‌تر باشند، رخ می‌دهد. از این رو شاید نظام بودجه‌بندی، ابزار

1. Lesotho

2. Resource Curse

دستیابی به همه اهداف به صورت مستقیم نباشد، اما تأمین منابع مالی همه برنامه‌ها و اهداف از جمله دستیابی به حکمرانی خوب از طریق نظام بودجه‌بندی صورت می‌گیرد (لیتوینچنکو، ۲۰۱۴). یافته پژوهشی دیگر با عنوان بودجه‌بندی، حسابرسی و حکمرانی: به کارگیری چارچوب مسئولیت پاسخگویی نیز که به روش مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده است، دال بر این است که ابزارهای بودجه‌بندی و حسابرسی بسیار مهم و حیاتی بوده، و در میان الزامات پاسخگویی، نقشی اساسی ایفا کرده و دموکراسی را برای شهروندان به ارمغان می‌آورند. حکمرانی خوب با افزایش پاسخگویی بهبود می‌یابد و موجب بهبود مستمر در عملکرد سازمانی می‌شود (اوسیسیوما، ۲۰۱۳). در نهایت نیز استروسمن و رنونی (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «ایجاد اداره بودجه پارلمانی به مثابه عنصر حکمرانی خوب» دریافتند که اداره بودجه، ظرفیت بسیار مهمی برای کمک به نمایندگان مجلس در شناخت فراگردهای بودجه، مقابله با چالش‌های پیش رو و نظارت و کنترل بر هزینه‌های عمومی دارد. بنابراین با توجه به فقدان پژوهش‌های کافی مرتبط با حکمرانی خوب و نظام بودجه‌بندی، این پژوهش موجد ارزش نظری بوده، با تأمل بر اهمیت حل مسائل بودجه‌ای و اهمیت پژوهش در راستای حل معضلات و کاستی‌های مرتبط با بودجه‌بندی، انجام این پژوهش مد نظر پژوهشگران قرار گرفته است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش‌های فراوانی، حکمرانی خوب و بودجه‌بندی را به طور مجزا بررسی کرده‌اند، اما ارتباط این دو با یکدیگر به صورت محدود مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش با شناخت و آگاهی از این کاستی‌ها و با هدف تبیین نظری و عملیاتی مفاهیم حکمرانی خوب و بودجه، صورت گرفت. بر این اساس و با توجه به ماهیت و اهداف پژوهش و به منظور شناسایی بهتر عناصر تشکیل‌دهنده بودجه خوب، از رویکرد ترکیبی و از نوع اکتشافی متوالی استفاده شده است. در این راستا در بخش کیفی، روش تحلیل تم از طریق مصاحبه‌های اکتشافی و در بخش کمی، روش تحلیل آماری از طریق پرسشنامه، فقط برای اعتباریابی مدل طراحی شده، مورد استفاده قرار گرفته است. جامعه آماری در بخش کیفی و کمی این پژوهش، خبرگان حوزه بودجه‌بندی و حکمرانی خوب بوده و نمونه‌گیری به صورت هدفمند و به روش گلوله برفی انجام شده است. در این چارچوب در بخش کیفی، حجم نمونه از قبل مشخص نشد، بلکه فراگرد انتخاب افراد و انجام مصاحبه و تحلیل داده‌های گردآوری شده، تا رسیدن به نقطه اشباع ادامه یافت و پس از مصاحبه با ۲۰ نفر شامل ۷ نفر خبره دانشگاهی و ۱۳ نفر خبره اجرایی، این امر محقق شد. در اجرای مرحله دوم، رویکرد ترکیبی برای تأیید مدل استخراجی مد نظر قرار گرفت. پس از طراحی

پرسشنامه ضمن مراجعه مجدد به مصاحبه‌شوندگان برای تأیید مدل استخراجی، از آنان درخواست شد تا افراد متخصص دیگر در این حوزه را معرفی نمایند. در سازمان برنامه و بودجه نیز به دلیل اینکه متخصصانی از همه واحدهای مرتبط با بودجه برای مصاحبه انتخاب شده بودند، از آنها خواسته شد تا افرادی را در همان واحد برای تأیید مدل معرفی نمایند. در مجموع ۴۰ نفر در بخش کمی پژوهش انتخاب شد و مدل نهایی بودجه خوب به آنها معرفی شد که از این ۴۰ نفر ۱۷ خبره دانشگاهی و ۲۳ خبره اجرایی بودند.

در پژوهش‌های کیفی، قابلیت اعتماد را معیاری برای جایگزینی روایی و پایایی مدنظر قرار داده و مطرح می‌کنند که این مفهوم، از چهار حیث اعتبارپذیری، انتقال‌پذیری، اتکاپذیری و تأییدپذیری، مدنظر قرار می‌گیرد (دانایی فرد و مظفری، ۱۳۸۷). در این پژوهش، معیارهای فوق با راهبردهای گوناگونی مدنظر قرار گرفتند. اطلاعات دریافتی از مصاحبه‌شوندگان در جلسه مصاحبه ضبط شده و در عین حال یادداشت‌برداری نیز صورت گرفت. علاوه بر این، به‌صورت مستمر با مشارکت‌کنندگان ارتباط برقرار شده و از نظرهای آنها برای اصلاح برداشتها استفاده شد. همچنین برای محاسبه‌های پایایی مصاحبه با روش توافق درون موضوعی دو کدگذار (ارزیاب)، از یک همکار پژوهشی درخواست شد تا در پژوهش مشارکت کند. سپس پژوهشگران به همراه همکار پژوهشی، سه مصاحبه را کدگذاری کردند. میزان توافق بین کدگذاران ۸۶ درصد بود. با توجه به اینکه این میزان پایایی، بیشتر از ۶۰ درصد است، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید قرار گرفت و می‌توان ادعا کرد که میزان پایایی تحلیل مصاحبه کنونی مناسب است.

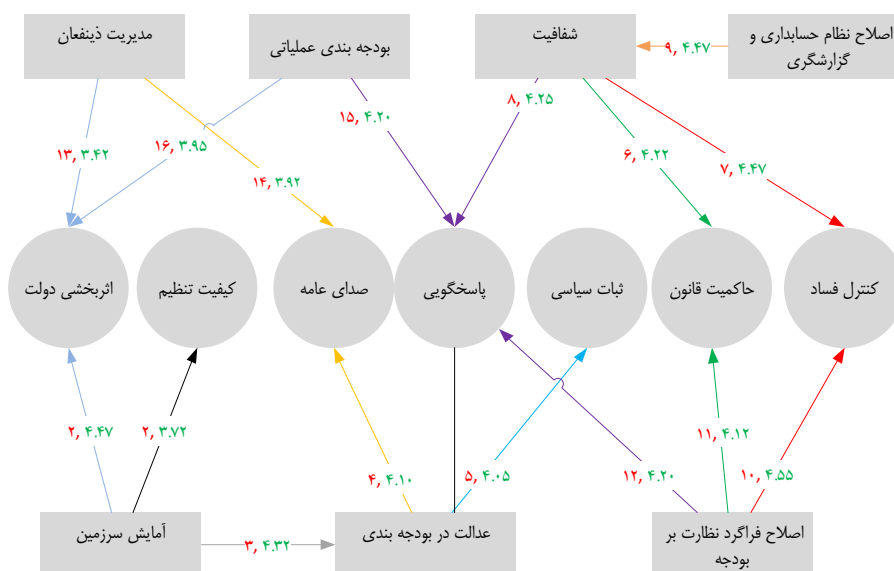
در نهایت، برای تأیید مدل نهایی استخراجی از پرسشنامه‌ای محقق ساخته، برگرفته از مرحله اول تحقیق استفاده شد. نحوه انجام کار بدین‌صورت بود که پس از ترسیم نقشه کلی تم‌ها و استخراج مدل، در مجموع ۱۶ رابطه میان مقوله‌های استخراجی برقرار گردید و متناسب با این روابط، پرسشنامه‌ای ۱۶ سؤالی و ۵ گزینه‌ای بر اساس مقیاس لیکرت طراحی شد و در چارچوب طرح پژوهش، در اختیار خبرگان نظام بودجه‌بندی کشور قرار گرفت. در این مرحله، پژوهشگران هنگام پاسخ به پرسشنامه‌ها حضور داشتند و سؤالات احتمالی را پاسخ و توضیحات لازم را جهت بهبود کیفیت پاسخگویی ارائه دادند. برای پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ و برای روایی نیز از روایی محتوایی استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۳ بود. این ضریب از نظر آماری در حد مطلوب بوده و نشان‌دهنده پایایی قابل قبول ابزار اندازه‌گیری است. برای روایی محتوا نیز پرسشنامه به پنج متخصص بودجه‌بندی نشان داده شد و آنها تأیید نمودند که اهداف مدنظر طراحی پرسشنامه که تأیید روابط و رتبه‌بندی مقوله‌هاست، از طریق پرسشنامه قابل دستیابی است.

یافته‌های پژوهش

پس از تحلیل کلیه مصاحبه‌ها و مشخص کردن واحدهای معنایی، در مجموع ۵۱ تم و شش مقوله استخراج گردید که این شش مقوله و ۵۱ تم، ۲۰۳ بار مورد تأکید گروه منتخب متخصصان نظام بودجه‌بندی کشور قرار گرفتند (جدول ۲).

جدول ۲. مقوله‌های مستخرج از مصاحبه‌ها و فراوانی آنها

مقوله‌ها	تعداد تم‌ها	فراوانی
آمایش سرزمین	۱۸	۶۳
مدیریت ذی‌نفعان	۵	۶
پیاپی‌سازی بودجه‌بندی عملیاتی	۳	۴۶
اصلاح نظام حسابداری و گزارشگری	۹	۳۷
اصلاح فراگرد نظارت بر بودجه	۱۱	۴۲
شفافیت	۵	۹
مجموع	۵۱	۲۰۳



شکل ۲. ارتباط مقوله‌های استخراجی با شاخص‌های حکمرانی خوب

آمایش سرزمین و حکمرانی خوب

یک) آمایش سرزمین باعث بهبود شاخص اثربخشی دولت می‌شود. با پیاده‌سازی طرح آمایش سرزمین، دولت تخصیص منابع را بر اساس اهداف و منافع مورد اجماع و بر اساس ظرفیت‌های هر بخش و منطقه انجام می‌دهد و از این طریق، به همه اهداف خود که مهم‌ترین آن کیفیت ارائه کالا و خدمات به مخاطبان است، می‌رسد. این ارتباط را می‌توان در معیارهای تعیین‌کننده اثربخشی دولت از دیدگاه بانک جهانی، مد نظر قرار داد. بانک جهانی معتقد است که تأمین زیرساخت‌ها، کیفیت اداره امور عمومی، کیفیت بودجه و مدیریت مالی، بهره‌وری منابع درآمدی، اجماع، تخصیص و مدیریت منابع عمومی برای توسعه روستایی و کاهش بی‌ثباتی در جهت‌گیری‌های خط‌مشی، نقش تعیین‌کننده‌ای در اثربخشی دولت دارد (بانک جهانی، ۲۰۱۶).

۲۰ نفر تأثیر آمایش سرزمین بر اثربخشی دولت را «بسیار زیاد» و ۱۹ نفر میزان این اثر را «زیاد» دانستند و فقط یک نفر به اثر «متوسط» آمایش سرزمین بر اثربخشی دولت، اشاره کرده است. توزیع فراوانی، به‌وضوح گرایش پاسخ‌ها به توافق را نشان می‌دهد. شاخص χ^2 و نشان‌دهنده معناداری تجمع پاسخ‌ها روی گزینه‌های «بسیار زیاد» و «زیاد» بود ($\chi^2 = 17/15$) و $P < 0/01$. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهند میانگین توافق شرکت‌کنندگان با تأثیر آمایش سرزمین بر اثربخشی دولت ۴/۴۷ بسیار بالاتر از میانگین نظری (۳) است.

دو) آمایش سرزمین باعث بهبود شاخص کیفیت تنظیم مقررات می‌شود. یکی از مهم‌ترین مراحل آمایش سرزمین، شناسایی ظرفیت‌های مناطق است. این شناسایی بدین معنا نیست که دولت خود متولی استفاده از این ظرفیت‌ها شود، بلکه بدین معناست که زیرساخت‌ها و شرایط لازم را برای شکوفا کردن این استعدادها، توسط سایر بخش‌های اقتصادی، از جمله بخش خصوصی، فراهم می‌کند. درواقع در اینجا، دولت نقش تسهیل‌گری را به عهده گرفته و بهره‌برداری و تصدی‌گری را به دیگران واگذار می‌کند. اگر در چارچوب آمایش سرزمین، گرایش توسعه و چارچوب منافع ملی، شفاف و واضح گردد، علاوه بر اولویت‌بندی فعالیت‌های تخصیص بودجه به آنها، می‌توان سرمایه‌های بخش خصوصی را به‌سوی آنها هدایت کرد؛ سرمایه‌ای که گاهی مهم‌تر و بیشتر از بودجه عمومی تأثیر دارند (سیدرضایی و پورعزت، ۱۳۹۵: ۵۶). این رابطه، در عوامل تعیین‌کننده تحقق کیفیت تنظیم مقررات توسط بانک جهانی جست‌وجو شد و چنین دریافت شد که توسعه زیرساخت‌ها، به فراهم کردن شرایط برای توسعه خدمات مالی در نواحی روستایی، فضای سرمایه‌گذاری را برای کسب‌وکار روستایی بهبود داده،

زمینه حمایت از تولیدات داخلی در فضای کسب و کار را که از نظر بانک جهانی زمینه ساز تحقق شاخص کیفیت تنظیم مقررات است، فراهم می کند (بانک جهانی، ۲۰۱۶). نتایج بخش کمی نیز نشان داد که ۷ نفر از متخصصان به تأثیر «بسیار زیاد»، ۱۵ نفر تأثیر «زیاد» اثر آمایش سرزمین اعتقاد داشته و ۱۸ متخصص، اثر آمایش سرزمین بر کیفیت تنظیم مقررات را متوسط فرض کرده اند. هیچ یک از متخصصان به گزینه های «کم» و «بسیار کم» اشاره نکردند. بر پایه شاخص خی دو گرایش پاسخ ها به طور معنادار، به سمت گزینه های متوسط و بالاتر است ($\chi^2 = 6/85$ و $P < 0/01$). میانگین این ارتباط نیز $3/72$ را نشان می دهد.

سه) آمایش سرزمین باعث بهبود سطح رعایت عدالت در بودجه بندی می شود. چهار) عدالت در بودجه بندی باعث تحقق و بهبود شاخص صدای عامه و پاسخگویی دولت می شود.

پنج) عدالت در بودجه بندی باعث تحقق و بهبود ثبات سیاسی و مهار خشونت می شود. بودجه خوب، باید مبتنی بر موازین عدالت تدوین شود. در واقع، شرط سلامت فراگرد بودجه بندی، معطوف بودن آن به عدالت گستری، نظر به ملاحظات آمایش سرزمین است (پورعزت و سیدرضایی، ۱۳۹۵: ۶۳). آمایش سرزمین از طریق توزیع منابع بین مناطق گوناگون کشور، بر اساس ظرفیت های آن مناطق، زمینه تحقق عدالت منطقه ای را فراهم می کند و از آنجا که توزیع قومیت ها و اقلیت های مذهبی در مناطق متفاوت کشور پراکنده است، موجب توسعه عدالت قومیتی شده، از طریق خط مشی گذاری جهت بهره برداری بهینه و مبتنی بر آمایش محیط زیستی، زمینه تحقق عدالت بین نسلی را فراهم می سازد، از طریق تدوین برنامه آمایش مبتنی بر جمعیت و ترکیب جنسیتی مانند علم و تحصیل و اشتغال، امکان تحقق عدالت جنسیتی را بهبود می بخشد (بانک جهانی، ۲۰۱۶).

بر اساس یافته ها، ۲۰ نفر از متخصصان به تأثیر «بسیار زیاد»، ۱۵ نفر به تأثیر «زیاد» و ۳ نفر با سطح تأثیر متوسط موافق بوده اند. دو نفر نیز میزان تأثیر آمایش سرزمین بر عدالت در بودجه بندی را کم دانسته اند. نتایج آزمون خی دو نشان داد توزیع فراوانی در گزینه های بسیار زیاد و زیاد، به طور معنادار بیش از سایر گزینه ها است ($\chi^2 = 23/80$ و $P < 0/01$). میانگین نمره متخصصان به تأثیر «آمایش سرزمین بر عدالت در بودجه بندی» برابر با $4/32$ است.

با تحقق عدالت در زمینه های پیش گفته، صدای عامه شنیده می شود، علایق و خواست های همه آحاد مردم مد نظر قرار می گیرد و بنا بر توانایی و ظرفیت آنها، از منابع عمومی استفاده می شود. با تحلیل کمی در این باره، مشخص شد که ۷۵ درصد از پاسخ ها متمایل به گزینه

«بسیار زیاد» (۱۷ نفر) و «زیاد» (۱۲ نفر) بود. ۹ نفر نیز گزینه «متوسط» و ۲ نفر گزینه «کم» را انتخاب کردند. شاخص‌های دو نشان می‌دهد تجمع پاسخ‌ها در دو گزینه بالای متوسط، از نظر آماری معنادار است ($\chi^2=11/80$ و $P<0/01$). میانگین نمره متخصصان به این ارتباط نیز ۴/۱۰ بود.

در این باره که عدالت چگونه باعث ثبات سیاسی می‌شود نیز ابتدا باید دید مهم‌ترین مسائلی که ثبات سیاسی کشور را به صورت بالقوه تهدید می‌کنند، کدام‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش، مهم‌ترین مسائل عبارت‌اند از: ۱. قومیت‌ها و مسائل مربوط به آنان؛ ۲. آب و بحران‌های زیست‌محیطی (نظیر منازعه و چالش‌های جاری کشور در اصفهان و چهارمحال بختیاری)؛ ۳. توزیع نابرابر امکانات در مناطق مرزی کشور (مانند سیستان و بلوچستان) و ۴. عدم اجماع بر سر اهداف و منافع ملی و همچنین عدم اقتدار دولت و تکرر قدرت در حاکمیت. همه این موارد در مبحث آمایش سرزمین و در بحث عدالت در بودجه‌بندی دیده شده‌اند. چنانچه آمایش سرزمین صورت گرفته و زمینه تحقق عدالت فراهم شود، زمینه‌های بی‌ثباتی سیاسی نیز کاهش یافته و این شاخص ارتقا خواهد یافت. این رابطه را می‌توان در ادبیات نظری نیز رصد کرد و مورد تأکید قرار داد (پورعزت و سیدرضایی، ۱۳۹۵: ۶۴).

گزینه «زیاد» (۲۲ نفر) و «بسیار زیاد» (۱۱ نفر) در بین پاسخ‌ها، به ترتیب دارای بیشترین فراوانی بودند. ۵ نفر از متخصصان تأثیر عدالت در بودجه‌بندی بر ثبات سیاسی را متوسط و ۲ نفر کم اعلام کردند. نتایج آزمون خی‌دو، از گرایش نظر متخصصان به گزینه‌های بیشتر از حد متوسط حکایت داشت ($\chi^2=23/40$ و $P<0/01$). میانگین نمره متخصصان به تأثیر «عدالت در بودجه‌بندی بر ثبات سیاسی» (۴/۵) بود.

شفافیت بودجه و حکمرانی خوب

شش) شفافیت در بودجه‌بندی کشور، موجب حاکمیت قانون می‌شود.

هفت) شفافیت در بودجه‌بندی کشور، موجب کنترل فساد می‌شود.

هشت) شفافیت در بودجه‌بندی کشور موجب، پاسخگویی دولت می‌شود.

زمانی شفافیت در فراگرد بودجه‌بندی شکل می‌گیرد که قوانین و مقررات و رویه‌ها و روش‌های تهیه و تنظیم قوانین، ثابت و شفاف باشند و همگی منتشر شده و در اختیار عموم قرار گیرند (لیپسلی و ریوس، ۲۰۱۵). در مورد رابطه بین شفافیت و کنترل فساد و حاکمیت قانون نیز پژوهشگران معتقدند که شفافیت تصمیم‌ها، به خصوص در حوزه بودجه‌بندی، خطمشی‌گذاری و تنظیم رویه‌ها، بر اثربخشی استفاده از منابع و کاهش فساد و اتلاف منابع تأثیر شایان توجهی دارد. به همین منظور، اطلاعات باید در دسترس عموم قرار گیرد و قوانین و مقررات شفاف باشند.

چراکه دسترسی به موقع به اطلاعات اقتصادی، می تواند برای تصمیم گیری های بخش خصوصی بسیار حیاتی باشد و کمک شایانی به کنترل فساد نماید. متخصصان پیشنهاد نموده اند که اگر وظایف و مسئولیت ها و شرایط مناقصه ها و مزایده ها، قروض دولتی و ضمانت نامه ها و رویه های بودجه بندی، شفاف شود و با اجرای قانون آزادی اطلاعات و شفافیت اطلاعات، گزارش های دولتی و قراردادهای دولتی انتشار عمومی یابند، حاکمیت قانون محقق می شود.

از مجموع ۴۰ متخصص، ۲۰ نفر تأثیر شفافیت بر حاکمیت قانون را «بسیار زیاد» و ۱۱ نفر «زیاد» دانستند. تعداد پاسخ های «متوسط» و «کم» به ترتیب ۷ و ۲ بود. شاخص خی دو نشان داد پاسخ های بسیار زیاد و زیاد، معنادارند ($\chi^2 = 17/40$ و $P < 0/01$) و میانگین نمره متخصصان به تأثیرگذاری «شفافیت بر حاکمیت قانون» برابر با ۴/۲۲ بود. بیشتر متخصصان بیان کردند که شفافیت بر کنترل فساد، اثر «بسیار زیاد» دارد (۲۶ نفر). همچنین ۹ نفر به اثر «زیاد» شفافیت بر کنترل فساد اشاره کردند و تعداد اندکی نیز اثر «متوسط» (۳ نفر) و «کم» (۲ نفر) را مد نظر داشتند. بر اساس نتایج آزمون خی دو پاسخ ها به طور معناداری از اثر شفافیت بر کنترل فساد، حکایت دارند ($\chi^2 = 37$ و $P < 0/01$). میانگین نمره متخصصان به تأثیرگذاری «شفافیت بر کنترل فساد» نیز ۴/۴۷ است.

در مطالعه ادبیات نظری، ارتباط تنگاتنگی بین شفافیت و پاسخگویی برقرار است؛ به گونه ای که شفافیت را مهم ترین ساز و کار کلیدی پاسخگویی می دانند. همچنین شفافیت مهم ترین جزء تصمیم گیری های مدیریت اثربخش و بهبود سیستم های کنترلی است (لیپسلی و ریوس، ۲۰۱۵). این رابطه، از دیدگاه بانک جهانی نیز مورد تأکید قرار گرفته است (بانک جهانی، ۲۰۱۶) و اعتقاد بر این است که زمانی شفافیت به پاسخگویی منجر می شود که اقدامات مربوط به کلیه عملیات و اقدامات دولت، در اختیار عموم قرار گیرند و مجلس و مؤسسات عالی حسابرسی را جهت کنترل و نظارت بر دولت توانمند سازند و سایر مجموعه های رسمی و غیررسمی بتوانند از این اطلاعات جهت پاسخگو نگه داشتن دولت استفاده کنند. برخی دیگر از محققان نیز ارتباط شفافیت و پاسخگویی را در انطباق دولت با اصول و استانداردهای بین المللی و تغییر ساختار سیاسی در راستای پاسخگویی مفید دانسته اند. پژوهش های زیادی نیز حلقه اتصال و ارتباط شفافیت و پاسخگویی را در تقویت جامعه مدنی رصد کرده اند (زیل، ۲۰۱۴).

بیشتر پاسخ دهندگان میزان اثر شفافیت بر پاسخگویی را «بسیار زیاد» دانستند (۲۲ نفر)، ۱۵ متخصص اثر «زیاد» شفافیت بر پاسخگویی را تأیید کردند، ۱ پاسخ «متوسط» و ۲ پاسخ نیز معطوف به گزینه «کم» بود. شاخص خی دو نشان داد تراکم پاسخ ها به طور معنادار در گزینه های

بالای متوسط است ($\chi^2=31/40$ و $P<0/01$). میانگین نمره متخصصان به تأثیرگذاری «شفافیت بر پاسخگویی» ۴/۲۵ بود.

اصلاح نظام حسابداری و گزارشگری و حکمرانی خوب

نه) اصلاح نظام حسابداری و گزارشگری بودجه، موجب افزایش شفافیت می‌شود. حسابداری، شفافیت و پاسخگویی، مفاهیمی درهم‌تنیده و لازم و ملزوم یکدیگر (نارایان، ۲۰۱۴) در مسیر تحول‌اند! در راستای تحولات صورت گرفته در مدل‌ها و سیستم‌های بودجه‌بندی، سیستم حسابداری و حسابرسی بخش عمومی نیز با تحولاتی بنیادی روبه‌رو شد؛ تحولات و اصلاحاتی که موجبات شفافیت اطلاعات و کارایی در مصرف و به‌کارگیری منابع عمومی را فراهم نمودند (باباجانی و بابایی، ۱۳۹۰). در همین راستا، پژوهشگران و متخصصان معتقدند در صورتی که ساختار حسابداری و گزارشگری با نظام بودجه‌بندی ما هماهنگ باشد و از «چارچوب نظری مبتنی بر تصمیم‌گیری» به «چارچوب نظری مبتنی بر مسئولیت پاسخگویی» تغییر یابد که در آن بر حسابداری تعهدی و حسابرسی عملکرد، به‌جای حسابرسی مالی تأکید می‌شود، شفافیت و پاسخگویی دولت نیز ارتقا می‌یابد.

بیشتر متخصصان بر آن بودند که اثر اصلاح نظام حسابداری و گزارشگری بر شفافیت «بسیار زیاد» است (۳۳ نفر). ۱۳ متخصص نیز بر اثر «زیاد» اصلاح نظام حسابداری و گزارشگری بر شفافیت تأکید داشتند؛ در حالیکه فقط ۴ نفر از متخصصان به اثر «متوسط» اصلاح نظام حسابداری و گزارشگری بر شفافیت اشاره داشتند. نتایج آزمون خی‌دو نشان داد متخصصان به‌طور معناداری میزان اثر بالاتر از متوسط را انتخاب کرده‌اند ($\chi^2=13/55$ و $P<0/01$). میانگین نمره متخصصان به تأثیرگذاری «اصلاح نظام حسابداری و گزارشگری بر شفافیت» حدود ۴/۴۷ است.

اصلاح فراگرد نظارت بر بودجه و حکمرانی خوب

ده) اصلاح فراگردهای نظارتی بودجه، موجب کنترل فساد می‌شود. یازده) اصلاح فراگردهای نظارتی بودجه، موجب حاکمیت قانون می‌شود. دوازده) اصلاح فراگردهای نظارتی بودجه، موجب پاسخگویی دولت می‌شود. اصلاح و تقویت نهادهای نظارتی، موجب بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب، از حیث مراتب پاسخگویی، حاکمیت قانون و کنترل فساد می‌شود (آلن و توماسی، ۲۰۰۱). یکی از مهم‌ترین مراحل یا اقدامات تضمین‌کننده پاسخگویی دولت، نظارت بر بودجه است. بر همین اساس، متخصصان بودجه‌بندی کشور پیشنهاد می‌کنند که در صورت بروز اصلاحاتی نظیر کاهش تعداد نهادهای نظارتی، استقلال نهادهای نظارتی و عدم مصلحت‌اندیشی، شفافیت وظایف نهادهای

نظارتی، نظارت بر فراگردهای نظارتی، تدوین دستورالعمل اجرایی نظارت، امکان‌سنجی مجدد پروژه‌های در حال انجام، مبادلهٔ موافقت‌نامه به روش علمی و دقیق، نظارت بیشتری بر شرکت‌های دولتی و بانک‌ها، مجلس، بودجه‌های سری و نهادهای عمومی غیردولتی صورت گیرد و با تخلفات در فراگردهای نظارتی، برخورد قاطع و عادلانه صورت گیرد؛ به‌طوری که قدرت و کارآمدی نهادهای نظارتی افزایش یابد و پاسخگویی دولت بهتر صورت پذیرد و قانون‌مداری تقویت شود و فساد کاهش یابد.

اکثر متخصصان بیان کردند که اصلاح فراگرد نظارت بر بودجه، بر کنترل فساد اثر «بسیار زیاد» دارد (۲۵ نفر). تعداد شایان توجهی اثر مذکور را در حد «زیاد» اعلام کردند (۱۲ نفر). ۳ نفر از متخصصان نیز بیان کردند که اثر اصلاح فراگرد نظارت بر بودجه بر کنترل فساد «متوسط» است. هیچ‌یک از متخصصان برای این رابطه اثر «کم» یا «بسیار کم» را انتخاب نکردند. شاخص‌های دو بیانگر گرایش معنادار پاسخ‌ها به سمت گزینه‌های بالای متوسط بود ($\chi^2 = 18/35$ و $P < 0/01$). میانگین نمرهٔ متخصصان به تأثیرگذاری «اصلاح فراگرد نظارت بر بودجه بر کنترل فساد» نیز $4/55$ است.

همچنین ۱۵ نفر از متخصصان اثر اصلاح فراگرد نظارت بر بودجه، بر حاکمیت قانون را «بسیار زیاد» بیان کردند. ۱۶ نفر از متخصصان میزان این اثربخشی را «زیاد» دانستند. فراوانی گزینه‌های «متوسط» و «کم» به ترتیب ۸ و ۱ بود. شاخص‌های دو نشان داد تعداد پاسخ‌ها در گزینه‌های بالای متوسط به‌طور معنادار بیشتر است ($\chi^2 = 14/60$ و $P < 0/01$). میانگین نمرهٔ متخصصان به تأثیرگذاری «اصلاح نظارت بر بودجه بر حاکمیت قانون» $4/12$ است و در نهایت، ۱۳ نفر از متخصصان تأثیر اصلاح فراگرد نظارت بر بودجه بر پاسخگویی را «بسیار زیاد» اعلام کردند. اکثر متخصصان (۲۲ نفر) معتقد بودند که تأثیر اصلاح فراگرد نظارت بر بودجه بر پاسخگویی قانون «زیاد» است. ۵ نفر نیز میزان این تأثیر را «متوسط» دانستند. نتیجهٔ آزمون $\chi^2 = 10/85$ و $P < 0/01$ میانگین نمرهٔ متخصصان به تأثیرگذاری «اصلاح فراگرد نظارت بر بودجه بر پاسخگویی» $4/20$ را نشان می‌دهد.

مدیریت ذی‌نفعان و حکمرانی خوب

سیزده (مدیریت ذی‌نفعان، موجب بهبود اثربخشی دولت می‌شود. چهارده) مدیریت ذی‌نفعان، موجب تقویت صدای عامه و پاسخگویی دولت می‌شود. فراگرد بودجه‌بندی خوب، ارتقادهندهٔ ارتباط با ذی‌نفعان است؛ از آنجا که همهٔ آحاد یک ملت ذی‌نفعان فراگرد بودجه‌بندی به‌شمار می‌روند، زمانی که خواسته‌ها و علایق و نگرانی‌های همهٔ

ذی‌نفعان دیده و به رسمیت شناخته شده و در تصمیم‌گیری‌ها و عملیات برآورده گردند و همچنین به صورت شفاف و روشن با ذی‌نفعان ارتباط برقرار گردد و به حرف‌های آنها گوش داده شود و فراگرد و استراتژی‌هایی اتخاذ شود که ذی‌نفعان مطمئن شوند منافع آنها دیده شده و تضمین می‌شوند، با جلب مشارکت آنان و در نظر گرفتن خواست‌های و علایق آنان، زمینه تقویت صدای عامه فراهم می‌گردد.

۶ نفر از متخصصان بیان کرده‌اند که اثر مدیریت ذی‌نفعان بر صدای عامه «بسیار زیاد» است. ۲۵ نفر (اکثریت متخصصان) میزان این تأثیر را «زیاد» تخمین زدند. فراوانی گزینه «متوسط» در مجموع پاسخ‌ها ۶ بود. آزمون خی‌دو نشان داد گرایش پاسخ‌ها به سمت گزینه‌های بالایی متوسط قابل توجه است ($\chi^2=15/65$ و $P<0/01$). میانگین نمره متخصصان به تأثیرگذاری «مدیریت ذی‌نفعان بر صدای عامه» ۳/۹۲ بود.

همچنین در صورتی که شناسایی و تحلیل ذی‌نفعان صورت گیرد و بین دولت و سایر ذی‌نفعان و نهادهای حاکمیتی، هم‌راستایی اهداف و مقصد بررسی شود و با برداشته شدن موانع، زمینه مشارکت ذی‌نفعان تقویت گردد، می‌توان به اثربخشی فعالیت‌های دولت امیدوار بود. از نظر ۴ متخصص تأثیر مدیریت ذی‌نفعان بر اثربخشی دولت «بسیار زیاد» است. ۱۳ نفر عقیده داشتند که اثربخشی از این عامل «زیاد» خواهد بود. اثر «متوسط» و «کم» در بین پاسخ‌ها دارای فراوانی ۱۹ و ۴ بودند. شاخص خی‌دو نشان داد توزیع پاسخ‌ها یکسان نبوده و در گزینه‌های متوسط و بالاتر متراکم‌تر است ($\chi^2=16/20$ و $P<0/01$). میانگین نمره متخصصان به تأثیرگذاری «مدیریت ذی‌نفعان بر اثربخشی دولت» ۳/۴۲ را نشان می‌دهد.

پیاده‌سازی بودجه‌بندی عملیاتی و حکمرانی خوب

پانزده) پیاده‌سازی بودجه‌بندی عملیاتی، پاسخگویی دولت را افزایش می‌دهد.

شانزده) پیاده‌سازی بودجه‌بندی عملیاتی، اثربخشی دولت را افزایش می‌دهد.

بودجه‌بندی عملیاتی دربرگیرنده دو مفهوم اصلی است: بودجه و نتیجه؛ بودجه برای نتیجه. در نظام بودجه‌بندی عملیاتی، هدف اصلی و اساسی، استفاده از معیارهای هزینه و کار در تهیه و اجرای بودجه و افزایش کارایی تخصیصی و تولیدی در پرداخت‌های دولت بوده (شیک، ۱۹۷۳) و یکی از راهکارهای رایج در استانداردسازی فعالیت‌های دولت، افزایش پاسخگویی و بهبود عملکرد آن در سطح دولت‌های گوناگون است (امیری، مقیمی و قربانی، ۱۳۸۹). در واقع بودجه‌بندی عملیاتی، موضوع ارتباط هزینه‌های انجام‌شده و محصول با نتایج مورد انتظار است تا از این طریق، حدود قیمت تمام‌شده خدمات و زمینه‌های پاسخگویی دولت در مقابل قانون‌گذار و مردم فراهم شود (جردن و هاگبارت، ۲۰۰۵).

۱۶ نفر از متخصصان، تأثیر بودجه‌بندی عملیاتی بر پاسخگویی را «بسیار زیاد» دانستند. به عقیده ۱۴ متخصص، بودجه‌بندی عملیاتی بر پاسخگویی اثر «زیادی» دارد. ۶ نفر اثر «متوسط» و ۴ نفر نیز اثر «کم» را برگزیدند. بر اساس شاخص خی‌دو گرایش پاسخ‌ها به گزینه‌های بالاتر از متوسط معنادار است ($\chi^2 = 10/40$ و $P < 0/01$). میانگین نمره متخصصان به تأثیرگذاری «بودجه‌بندی عملیاتی بر پاسخگویی» برابر با ۴/۲۰ بود.

در پی استقرار بودجه‌بندی عملیاتی، دولت شفاف‌تر، مشارکت‌جوتر و بیش از پیش حامی حقوق مردم خواهد شد و اثربخشی دولت افزایش می‌یابد (جردن و هاکبارت، ۲۰۰۵). در واقع بودجه‌بندی عملیاتی، کارایی و اثربخشی را به مدل‌های سنتی بودجه‌بندی اضافه کرد (رابینسون و لاس، ۲۰۰۹؛ کردیچه، ۱۳۸۵).

در این مورد نیز گرایش پاسخ متخصصان به سمت گزینه‌های «بسیار زیاد» (۱۳ نفر) و «زیاد» (۱۷ نفر) بود. ۵ نفر میزان تأثیر بودجه‌بندی عملیاتی بر اثربخشی دولت را «متوسط» و ۵ نفر «کم» دانستند. آماره خی‌دو نشان داد فراوانی پاسخ‌ها به‌طور معنادار در گزینه‌های بالای متوسط بیشتر است ($\chi^2 = 10/80$ و $P < 0/01$). میانگین نمره متخصصان به تأثیرگذاری «بودجه‌بندی عملیاتی بر اثربخشی دولت» ۳/۹۵ است.

نتایج رتبه‌بندی آزمون فریدمن نیز ترتیب اهمیت روابط در بخش میانگین‌ها را تأیید می‌کند که در جدول ۲ نشان داده شده است. شاخص فریدمن به لحاظ آماری معنادار بود و نشان داد بین رتبه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد (شاخص فریدمن = ۲۵۲/۷۵ و $P < 0/01$).

جدول ۳. نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی روابط مفروض

رتبه میانگین	رابطه	رتبه میانگین	رابطه
۲۰۲۵	عدالت در بودجه‌بندی بر صدای عامه	۲۵۱۳	اصلاح فراگرد نظارت بر بودجه بر کنترل فساد
۱۹۷۵	اصلاح فراگرد نظارت بر بودجه بر حاکمیت قانون	۲۴۶۶	شفافیت بر کنترل فساد
۱۹۰۳	بودجه‌بندی عملیاتی بر پاسخگویی دولت	۲۳۹۳	آمایش سرزمین بر اثربخشی دولت
۱۸۲۸	عدالت در بودجه‌بندی بر ثبات سیاسی	۲۴۶۶	شفافیت بر کنترل فساد
۱۷۹۸	بودجه‌بندی عملیاتی بر اثربخشی دولت	۲۳۷۴	شفافیت بر پاسخگویی دولت
۱۲۷۵	آمایش سرزمین بر کیفیت تنظیم مقررات	۲۳۵۵	اصلاح نظام حسابداری و گزارشگری بر شفافیت
۱۶۵۶	مدیریت ذی‌نفعان بر صدای عامه	۲۲۶۴	آمایش سرزمین بر عدالت در بودجه‌بندی
۱۱۵۰	مدیریت ذی‌نفعان بر اثربخشی دولت	۲۱۶۹	شفافیت بر حاکمیت قانون
۲۵۲/۷۵	شاخص فریدمن	۲۰۷۱	اصلاح فراگرد نظارت بر بودجه بر پاسخگویی دولت
		$P < 0/01$	سطح معناداری

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، هدف اصلی این پژوهش شناسایی مشخصه‌ها و مؤلفه‌های نظام بودجه‌بندی است که تبلوری از حکمرانی خوب باشد. بدین معنا که اگر بخواهیم نظام بودجه‌بندی داشته باشیم که باعث بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه بانک جهانی شود، این نظام باید دارای چه مختصات و ویژگی‌هایی باشد. در مورد نظام بودجه‌بندی و حکمرانی خوب، به‌صورت مجزا پژوهش‌های بسیار زیادی صورت گرفته است؛ اما در این پژوهش‌ها کمتر این دو مفهوم در کنار هم مد نظر قرار گرفته و کم و کیف ارتباط آنها بررسی شده است. در این پژوهش، ضمن تأیید ارتباط این دو مفهوم با یکدیگر، چگونگی این مراد و اقدامات اصلاحی متناظر با هر ارتباط، نیز مشخص شده است.

با انجام بخش کیفی پژوهش، مقوله‌های آمایش سرزمین، مدیریت ذی‌نفعان، پیاده‌سازی بودجه‌بندی عملیاتی، اصلاح نظام حسابداری و گزارشگری، اصلاح فراگرد نظارت بر بودجه و شفافیت، به‌منزله مختصات بودجه‌بندی خوب استخراج شدند. مقوله آمایش سرزمین با شاخص‌های اثربخشی دولت و کیفیت تنظیم مقررات، به‌صورت مستقیم و با صدای عامه و پاسخگویی و ثبات سیاسی و مهار خشونت، به‌صورت غیرمستقیم و از طریق عدالت در بودجه‌بندی مرتبط گردید. چنین پنداشته می‌شود که مقوله شفافیت در بودجه‌بندی با شاخص‌های حاکمیت قانون، کنترل فساد و پاسخگویی دولت ارتباط داشته و مقوله اصلاح نظام حسابداری و گزارشگری با شاخص‌های پاسخگویی و کنترل فساد و حاکمیت قانون، به‌صورت غیرمستقیم و از طریق شفافیت در نظام بودجه‌بندی، زمینه‌های تحقق حکمرانی خوب را فراهم می‌کند. همچنین مقوله اصلاح فراگردهای نظارتی بودجه با شاخص‌های کنترل فساد، حاکمیت قانون و پاسخگویی مرتبط بوده و مقوله مدیریت ذی‌نفعان نیز با شاخص‌های صدای عامه و اثربخشی دولت، ارتباط برقرار کرده است و در نهایت مقوله پیاده‌سازی بودجه‌بندی عملیاتی با شاخص‌های پاسخگویی و اثربخشی دولت مرتبط شده است.

با بررسی ادبیات نظری پژوهش، مشخص شد که تعداد بسیار محدودی از پژوهش‌ها رابطه بین حکمرانی خوب و بودجه را مدنظر قرار داده‌اند؛ ضمن اینکه کیفیت این رابطه و نحوه ارتباط آن در چارچوب نظری تبیین نشده است؛ بنابراین، با توجه به ضعف ادبیات در این باره و بدیع بودن نتایج آن، امکان مقایسه نتایج با ادبیات نظری پژوهش، فراهم نیست. بنابراین، ارزش نظری این پژوهش، بررسی ارتباط بین حکمرانی خوب و نظام بودجه‌بندی و تأکید بر اهمیت این ارتباط است. ارزش کاربردی این پژوهش نیز پیشنهاد اقدامات اصلاحی در مدیریت مالی عمومی و نظام بودجه‌بندی کشور است؛ اقداماتی که در صورت اجرایی کردن آنها، احتمالاً شاخص‌های

حکمرانی خوب ارتقا خواهد یافت. از آنجا که محتوای پژوهش در واقع نوعی آسیب‌شناسی و راهکار در قالب ارتباط بین بودجه و حکمرانی خوب است، همه راهکارهای پیشنهادی در قالب ارتباط‌های شکل‌گرفته، در بخش‌های قبلی تبیین شده‌اند.

منابع

- آذر، ع. و امیرخانی، ط. (۱۳۹۰). *بودجه‌ریزی عمومی: نهادهای بودجه‌ریزی و بودجه محلی*. تهران: انتشارات سمت.
- الوانی، س. م. (۱۳۸۸). حکمرانی خوب: شبکه‌ای از کنشگران جامعه مدنی. *مجله مدیریت توسعه و تحول*، ۱، ۵-۱.
- امیری، م؛ مقیمی، س. م؛ قربانی، ف. (۱۳۸۹). چالش‌ها، موانع و سازوکارهای نظام‌های بودجه‌ریزی در آموزش عالی (مطالعه موردی: دانشگاه تهران). *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۷ (۵۹)، ۱۶-۳.
- باباجانی، ج؛ بابایی، م. (۱۳۹۰). تأثیر استقرار واحد حسابرسی داخلی و تشکیل کمیته حسابرسی در ارتقای سطح مسئولیت پاسخگویی مالی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی. *مجله دانش حسابداری*، ۲ (۴)، ۲۷-۷.
- پورعزت، ع. ا؛ طاهری عطار، غ. (۱۳۸۹). کاربست حکمرانی خوب برای ملت‌سازی در پرتو مطالعات میان‌رشته‌ای. *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۳ (۱)، ۱۹۳-۱۷۳.
- پورعزت، ع. ا؛ سیدرضایی، م. ی. (۱۳۹۵). *بودجه‌ریزی عدالت‌محور برای پیشرفت فرا منطقه‌ای*. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- دانایی‌فرد، ح؛ مظفری، ز. (۱۳۸۷). ارتقای روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مدیریتی: تأملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی. *پژوهش‌های مدیریت*، ۱ (۱)، ۱۶۲-۱۳۱.
- کردبچه، م. (۱۳۸۵). بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد. *برنامه‌ریزی و بودجه*، ۱۰۱، ۳۲-۳.
- Allen, R. & Tommasi, D. (2001). *Community governance*. Paris: OECD Publication.
- Alvani, S.M. (2009). Good Governance: A Network of Civil Society Interactors. *Journal of Development Evolution Management*, 1, 1-5. (in Persian)
- Amiri, M., Moghimi, S.M. & Ghorbani, F. (2010). Challenges, Problems, and Guidelines of Budgeting Systems in Higher Education, case study: "University of Tehran", *journal of the accounting and auditing review*, 17 (1), 3-16. (in Persian)
- Azar, A. & Amirkhani, T. (2011). *Public Budgeting: Budgetary Institutions And Local Budget*. Tehran: SAMT. (in Persian)
- Babajani, G. & Babaei, M. (2011). The Impact of Establishment of Audit Committee and Internal Audit Unit on Improvement of the Financial

- Accountability of the Universities and Research Institutions. *Journal of Accounting Knowledge*, 2 (4), 7-28. (in Persian)
- Cardos, I. R. (2014). New Trends In Budgeting: A Literature Review. *Practical Application of Science*, 2 (2), 483-490.
- Coates, P. (2004). Governance, Management, and Performance: They Matter. *Public Administration Review*, 64 (5), 630-633.
- Danaeifard, H. & Mozafari, Z. (2008). Improve the Reliability and Validity in Qualitative Research Management: Reflection on Audit Strategies Research. *Management Research*, 1 (1), 19-52. (in Persian)
- Dellicour, D. & Sacaze, J.P. (2012). Promoting good governance through development aid: the European Commission's approach. *Crime Law Soc Change*, 58, 551-562.
- Egbide, B.C. & Agbude, G. (2012). Good Budgeting And Good Governance: A Comparative Discourse. *The Public Administration and Social Policies Review*, 2 (9), 1-12.
- Fubbs, J. (1999). *The Budget Process and Good Governance*. Amsterdam: Association of European Parliamentarians with Africa.
- Huque, A.S. (2013). Can Public Management Contribute to Governance in Developing Countries? Evidence from Hong Kong. *Public Organization Review*, 13, 397-409.
- Jordan, M. M. & Hackbart, M. (2005). The goals and implementation success of state performance-based budgeting. *Journal of Public Budgeting, Accounting & Financial Management*, 17 (4), 471-478.
- Kardosa, M. (2012). The reflection of good governance in sustainable development strategies. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 58, 1166 – 1173.
- Kaufmann, D., Kraay, A. & Zoido-Lobaton, P. (2000). Governance Matters II: Updated Indicators for 2000-01. *Policy Research Working Paper*. Washington DC: World Bank.
- Kordbache, M. (2006). Performance-Based Budgeting. *The Journal of Planning & Budgeting*, 101(??), 3-32. (in Persian)
- Lapsley, I. & Rios, A.M. (2015). Making sense of government budgeting: an internal transparency perspective. *Qualitative Research in Accounting & Management*, 12 (4), 377-394.
- Lytvynchenko, G. (2014). Programme management for public budgeting and fiscal policy. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 119(??), 576 – 580.
- Narayan, A. K. (2014). Accounting and accountability challenges: Implementing sustainability in tertiary organisations. *Pacific Accounting Review*, 26 (1), 94-111.

- Osisioma, B. C. (2013). *Budgeting, Auditing And Governance: Implementing The accountability Framework*. February. Available at: http://works.bepress.com/prof_ben_osisioma/6.
- Pourezzat, A. A. & Seyed Rezaei, M. (2016). *Justice-Based Budgeting for the Development of Trans-Regional*. Tehran: Center for the Islamic-Iranian Model of Progress. (in Persian)
- Pourezzat, A. A. & Taheri Attar, GH. (2010). Application of Good Governance for Nation Building in light of Interdisciplinary Studies. *Scholarly Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 3 (1), 173-193. (in Persian)
- Robinson, M. & Last, D. (2009). *A Basic Model of Performance-Based Budgeting*. International Monetary Fund: Fiscal Affairs Department.
- Schiavo-Campo, S. & Daniel Tommasi, D. (2010). *Managing Government Expenditure*. Trans by Ghasemi, M. & Lamei, B. Philippines: Asian Development Bank (ADB). (in Persian)
- Shah, A. (2007). *Budgeting And Budgetary Institutions: Public Sector Governance And Accountability Series*. Washington, D.C.: The World Bank.
- Straussman, J. & Renoni, A. (2009). *Establishing a Parliamentary Budget Office as an Element of Good Governance: Comparative Assessment of Parliaments Note Series*. New York: center for international development.
- United Nations. (2007). *Public Governance Indicators: A Literature Review*. New York: United Nations: Department of Economic and Social Affairs.
- Vian, T. (2010). *Good Governance And Performance-Based Budgeting: Factors Affecting Reform Progress In Lesotho Hospitals*. Boston: Boston University: University Professors Program.
- Vian, T. & Bicknell, W. J. (2013). Good Governance and Budget Reform in Lesotho Public Hospitals: Performance, Root Causes, and Reality. *Health Policy & Planning*, 1(1), 1-12.
- Wildavsky, A. (1978). A Budget for All Seasons? Why the Traditional Budget Lasts. *Public Administration Review*, 38 (6), 501-509.
- worldbank. (2016). <http://info.worldbank.org/governance/wgi/#doc>. Retrieved from www.worldbank.org.
- Zyl, A. V. (2014). How Civil Society Organizations Close the Gap between Transparency and Accountability. *An International Journal of Policy, Administration, and Institutions*, 27 (2), 347-356.